

## پاسخ به مخاطب

استاد مجید رضائیان، از پایه‌گذاران روزنامه ایران، انتخاب و جام جم و از اساتید و داوران جشنواره تخصصی خبرگزاری‌ها و مطبوعات، جانشین مدیرمسئول و سردبیر روزنامه ایران در سال ۷۱، به مناسبت سالگرد انتشار روزنامه ایران بیان کرد: انگیزه و ایده اولیه انتشار روزنامه

ایران در دوره‌ای که عضو شورای معاونان ایرنا و همزمان مشاور ایرنا و مدیر پژوهشی ایرنا بودم، کلید خورد. رضائیان اظهار کرد: در آن زمان مطرح شد که ایرنا یک روزنامه و رسانه هم داشته باشد، اما با این نگاه که این روزنامه، روزنامه‌های خبری - گزارشی باشد، بنابراین به دو مقوله توجه شد یک آنکه ضرورت پوشش خبری گسترده‌تری برای ایرنا در سطح ملی در نظر گرفته شد؛ دوم آنکه روش انتشار روزنامه به صورت خبری - گزارشی باشد. بر این مبنا ماکت محتوایی یا موضوعی، طراحی شد و تحریریه هم با همین نگاه ایجاد شد. انتخاب نام «ایران» نیز، با همین پشتوانه صورت گرفت.

این روزنامه‌نگار پیشکسوت، هدف از انتشار روزنامه را پل ارتباطی میان مسئولان و مردم عنوان کرد و افزود: قصد داشتیم تا هم از سوی مردم، مطالبات به مسئولان منتقل شود و مسئولان پاسخگو باشند و هم مردم به نگاه مسئولان نزدیک و آشنا شده و اطلاعات کافی داشته باشند. در این مسیر، دو سوبیه بودن را اصل قرار دادیم و بر همین مبنا «ماکت موضوعی» تهیه کردیم و طرح تحقیقی کاملی را ارائه دادیم که تحریریه روزنامه براساس آن تعریف و طراحی شد. به عبارتی سرویس‌هایی که تا آن زمان وجود نداشت به عنوان کاری ابتکاری و ابداعی جدید راه‌اندازی شد. در آن زمان صفحه ۳ تبدیل به صفحه آیینیه شد که مراد از این سرویس، ارتباط متقابل مسئولان و مردم بود.

وی افزود: در داخل صفحات به طور مثال به صفحه اجتماعی و صفحه حوادث نگاه تازه‌ای داشتیم؛ مثلاً در صفحه حوادث رویدادها و اخبار شیرین و شگفت‌انگیز وجود داشت و کمپین رسانه‌ای و پوششی راه‌اندازی شد و زندانیان به‌دکار

از طریق اخبار این صفحه و با حمایت کمپین سرویس حوادث روزنامه آزاد شدند. اتفاقات مثبت دیگری به همین شکل صورت گرفت و نگاه حاکم بر حوادث مثبت شد. در ادامه تصمیم‌گیری‌ها، نگاه به سرویس خارجی تغییر کرد به شکلی که در کنار پرداختن به سیاست بین‌الملل، به حوزه کلان‌تر، یعنی روابط بین‌الملل بپردازیم. به همین دلیل صفحات آن از هم جدا شد. در بحث‌های فرهنگی، هنری، اقتصادی و اجتماعی صفحات تخصصی متفاوتی طراحی شد و در صفحه آخر با نام «دیگه چه خبر» شکل صفحات جذاب‌تر شد. کاریگاتور ثابت و عکس ثابت و مطالب کوتاه و فان و جذاب، صفحات متفاوتی را ارائه داد که توجه مردم را به خود جلب کرد. در صفحه اول روزنامه با «بیت‌های متفاوت‌تر» شکل صفحه را خاص کردیم. در ادامه راه با مطرح کردن ایده‌های خودم و مطالعات و مذاکراتی که با روزنامه‌نگاران نسل‌های قبلی و رسانه‌های مطرح درجه یک اروپایی انجام دادیم، از آنها ایده گرفتیم و در نهایت روزنامه ایران با نگاه تحلیلی و تحقیقی میدانی که انجام شده بود، شکل گرفت.

استاد مجید رضائیان در پاسخ به پرسش دیگری درخصوص آینده رسانه‌های کاغذی گفت: تکنولوژی امروز خیلی چیزها را تغییر داده است. روزنامه‌نگاری به معنای کار حرفه‌ای قوی‌تر شده است اما لزومی ندارد که کاغذی باشد. ممکن است در آینده به صورت کاغذی چاپ نشود و شکل الکترونیکی بگیرد و گسترش هم بیابد، اما باید توجه داشت که تحریریه حرفه‌ای بسیار مهم است. امروزه کار تحلیلی و ژانر روزنامه‌نگاری تحلیلی، ژانر مسلط دنیاست و حرف اول را می‌زند. در حال حاضر در دنیا همه به دنبال دو عنصر آخر [از عنصر خبری] «WHY» و «HOW» (چگونه چرا) هستند و کسی به دنبال ۴ عنصر اول [چه کسی، چه چیزی، چه زمانی، کجا] نیست؛ عناصری که نام آنها را در یکی از کتاب‌هایم، عناصر «استاتیک» گذاشتم و دو عنصر آخر را به عنوان عناصر «دینامیک» خواندم که در روزنامه نگاری بیشتر مطرح هستند. ژانر مسلط روزنامه‌نگاری جهان همان روزنامه‌نگاری تحلیلی است.

شما از طریق کوشی تلفن همراه خود از خیلی اخبار مطلع می‌شوید اما نمی‌دانید این اخبار چگونه شکل گرفته‌اند و نمی‌دانید چرا؟ زیرا با انفجار اطلاعات و اشباع اطلاعات و افزون بر آن اشباع پیام و داده مواجه شده‌اید و می‌شوید. بنابراین باید این موضوع را مدنظر داشت که چه چیزی پاسخ مخاطب را می‌دهد؟ آن کار که جواب چرایی و چگونگی را می‌دهد و در وب [نسل سوم اینترنت - غیرمتمرکز] اهمیت بیشتری پیدا می‌کند؛ تلاش برای پاسخ به عناصر چگونگی و چرایی است و این موضوع، تنها در روزنامه‌نگاری تحلیلی امکان پاسخ می‌یابد و به درستی دیده می‌شود.

## مجید رضائیان از قدیمی‌های روزنامه ایران

## ←

## ایران در قلب و روحمان ریشه دارد

خوبی را به مخاطب القا کند. به همین دلیل خیلی زود توانست با توجه به ظاهر نوبی که نسبت به دیگر رسانه‌ها در آن زمان داشت جایگاهش را میان مردم پیدا کند. یکی دیگر از جذابیت‌های روزنامه ایران، حضور سه نسل متفاوت روزنامه‌نگاری در کنار هم بود که توانست تولیداتش را برای مردم بسیار متفاوت‌تر و جذاب‌تر به چاپ برساند به طوری که تعدادی از افراد حاضر در تحریریه که در ابتدای چاپ «ایران» در آن قلم می‌زدند بسیار قدیمی بودند و از قبل انقلاب به فعالیت روزنامه‌نگاری و نویسندگی می‌پرداختند، بخشی هم در دوران انقلاب به این عرصه ورود پیدا کردند و نسل سوم هم در کنار دو نسل دیگر راه‌اندازی ایران حضور داشتیم به همین دلیل وقتی پای صحبت از روزنامه ایران به میان می‌آید، قطعاً حس و حالمان متفاوت است چرا که از تولد تا شکوفایی این مجموعه شاهد و ناظر روزهایی بودم که بر آن گذشته است. مدیرعامل سابق روزنامه ایران ادامه می‌دهد: قدم به قدم، از انتخاب نام برای این رسانه گرفته تا شکل‌گیری تیم تحریریه، همه آنچه بر این رسانه گذشته عمرما بود که گذشت و آنچه باقی ماند، خاطراتی است که می‌توانیم از آن روزها یاد کنیم. کار و تحقیق بسیاری در مجموعه خبرگزاری صورت گرفت تا به نتیجه برسیم و این رسانه مکتوب را شکل دهیم. با تمام چالش‌های پیش رو «ایران» به میان مردم قدم گذاشت. در آن زمان به‌عنوان مدیر اداری مالی خبرگزاری جمهوری اسلامی «ایرنا» بودم به همین دلیل مدیریت این دو حوزه را در «روزنامه ایران» تازه متولد شده به من سپردند. بعد از مدتی از مجموعه ایران جدا شدم، اما بعد از چند سال دوباره به مؤسسه مطبوعاتی ایران پیوستم. راحت بگویم ارتباط با روزنامه ایران، جزئی از شغل و زندگی‌ام در این چنددهه بوده است. عرق خاصی به این رسانه مکتوب در ذهن، فکر و قلب همه افرادی که در تأسیس و شکل‌گیری آن نقش داشتند، وجود دارد. من نیز همین طور هستم.

واثرگذاری‌اش در مخاطب را ادامه دهد تا همیشه شاهد رشد و شکوفایی آن باشیم. محمد تقی روغنی‌ها، مدیرعامل مطبوعاتی ایران از سال ۱۳۹۲ تا بهمن ۱۳۹۷ بود، اما پیوندش با روزنامه، قدمتی به اندازه عمر این رسانه مکتوب دارد. هنوز پایه‌های این رسانه ارتباطش با «ایران» شکل گرفت. استاد روغنی‌ها به مناسبت سالگرد تأسیس «ایران» رسانه مردمی، می‌گوید: سال ۷۱ تا ۷۲، بحث راه‌اندازی رسانه‌های متفاوت شکل گرفت. من نیز در تیم راه‌اندازی ایران حضور داشتم به همین دلیل وقتی پای صحبت از روزنامه ایران به میان می‌آید، قطعاً حس و حالمان متفاوت است چرا که از تولد تا شکوفایی این مجموعه شاهد و ناظر روزهایی بودم که بر آن گذشته است. مدیرعامل سابق روزنامه ایران ادامه می‌دهد: قدم به قدم، از انتخاب نام برای این رسانه گرفته تا شکل‌گیری تیم تحریریه، همه آنچه بر این رسانه گذشته عمرما بود که گذشت و آنچه باقی ماند، خاطراتی است که می‌توانیم از آن روزها یاد کنیم. کار و تحقیق بسیاری در مجموعه خبرگزاری صورت گرفت تا به نتیجه برسیم و این رسانه مکتوب را شکل دهیم. با تمام چالش‌های پیش رو «ایران» به میان مردم قدم گذاشت. در آن زمان به‌عنوان مدیر اداری مالی خبرگزاری جمهوری اسلامی «ایرنا» بودم به همین دلیل مدیریت این دو حوزه را در «روزنامه ایران» تازه متولد شده به من سپردند. بعد از مدتی از مجموعه ایران جدا شدم، اما بعد از چند سال دوباره به مؤسسه مطبوعاتی ایران پیوستم. راحت بگویم ارتباط با روزنامه ایران، جزئی از شغل و زندگی‌ام در این چنددهه بوده است. عرق خاصی به این رسانه مکتوب در ذهن، فکر و قلب همه افرادی که در تأسیس و شکل‌گیری آن نقش داشتند، وجود دارد. من نیز همین طور هستم.

## محمدرضا عزیزی مدیرعامل مطبوعاتی ایران در سال‌های ۱۳۹۷ تا ۱۳۹۲

## ↓

## آن روزهای پر از هیاهو و چسب و کاغذ و قیچی

بسیار سالم بود که وارد روزنامه شدم. آن روزها برای من جوان جویای تجربه، روزنامه ایران مانند دانشگاهی بود که هر لحظه می‌توانستم در آن چیزی بیاموزم. «ایران» دومین روزنامه زنگی کشور بود و برای ما جوان‌ها کار کردن در آن موجب مباحثات و سربلندی. با کار کردن در کنار پیشکسوتان خستگی برایشان معنایی نداشت.

در آن زمان، صفحه‌بندی روزنامه بسختی و به صورت دستی و سنتی انجام می‌شد. روی میزهای صفحه‌بندی مملو از چسب و کاتر و قیچی بود. گاهی البته به سطر و خط به خط کاغذها را می‌بریدیم و روی ورق صفحه آرای می‌چسباندیم. حتی گاهی مجبور بودیم دستور فرمول‌رنگ را هم برای چاپخانه بنویسیم که مثلاً برای این گلگونی صد تا آبی و صد تا زرد باید به کار برود تا رنگ مورد نظر ساخته شود. برای همین همیشه در زنهان مشغول بستن صفحه بودیم. اما چون دلمان می‌خواست کاری انجام دهیم، حتی بیشتر روی صفحات کار می‌کردیم و از انجام آن لذت می‌بردیم. صفحه یک روزنامه از اهمیت زیادی برخوردار بود. صفحه‌آرایی صفحه یک روزنامه را استاد مرتضی شادمانی انجام می‌داد که بنده افتخار همکاری با ایشان را داشتم. آن زمان آقای مجیدرضائیان قائم مقام بودند. ایشان اتاقکی درست کرده بودند که هر کسی اجازه ورود به آن را نداشت و این اتاق مخصوص بستن صفحه یک بود چون رقابت روی تئتریک با سایر روزنامه‌ها زیاد بود. این پیش‌بینی‌ها انجام شده بود تا تئتریک روزنامه او نرود و توسط رقبا مورد استفاده قرار نگیرد.

هنوز دلم برای آن روزها تنگ می‌شود. کار سخت بود حتی برای بچه‌های تحریریه که مجبور بودند خبرها را یا از دستگاه تلکس دریافت کنند یا مدام تلفن همراهی هم وجود نداشت. دسترسی به اطلاعات سخت بود. اگر آن روزها کسی به ما می‌گفت که یک روز از پشت کامپیوتر می‌توانی با دنیا ارتباط بگیری، باور نمی‌کردیم. امروز این اتفاقات افتاده من هنوز دلم برای آن حس و حال آن کار کردن‌ها تنگ می‌شود چون فضای کاری را دوست داشتم.

## محمد طاهری مدیر هنری روزنامه ایران



نمایی از تحریریه در دهه ۷۰



نمایی از تحریریه در دهه ۸۰

## سال پیش در چنین روزی «به میان شما آمدیم»

## یکی مانده ساله

امروز «ایران» ۲۹ ساله می‌شود. ۲۹سال همراه شما نفس کشیده، اندوه و شادی را همراه شما زیسته، فراز و نشیب‌های زیادی طی کرده و هنوز، امیدوار، نگاهی به آینده دارد. «ایران» پنج‌جری است برای ایران. پنج‌جری که با همت و تلاش خیلی‌ها باز شده و باز تکه داشته می‌شود.

**ایران دوست داشتنی؛ هم بدون گیمونه هم با گیمونه**

ایران دوست داشتنی در قلب ما جا دارد. روزنامه ایران با همان «ایران» هم دوست داشتنی است حتی اگر حالا ترجیح دهمم خبرها را در فضای مجازی مرور کنیم. هرچه نباشد، خیلی‌ها با «ایران» خاطره دارند. نه فقط کسانی که در این روزنامه کار کرده‌اند؛ خیلی‌ها؛ مصاحبه شوندگان، روزنامه‌فروشان، مخاطبان، کسانی که تیرهای صفحه اول روزنامه را جلوی کیوسک خوانده‌اند، کسانی که منتی فرستاده‌اند و در روزنامه چاپ شده، کسانی که خانواده‌شان را از طریق صفحه جست‌و جوی عاطفه‌های روزنامه پیدا کرده‌اند، حتی کسانی که روزنامه کیلویی خریده‌اند.

**طعم جوانی‌اش غالب است**

یکی مانده به ۳۰، عدد خوشایندی است. مثل ۹۹۹ سه رقمی که یکی مانده به هزار چهاررقمی است، اما فاصله‌اش تا هزار بیشتر از یک رقم می‌زند. ۲۹ طعم جوانی‌اش غالب است. ۳۰ طعم میان‌سالگی‌اش. یکی مانده به ۳۰، شور و جسارت جوانی و آرامش پختگی را با هم دارد اما اولی هنوز آتقدیر قوی است که نگذارد دومی کل لحظه‌ها را فاتح شود و آرام گیرد و روزمرگی چیره شود. سال‌های پیش، یک زمانی تندروی در روزنامه‌ها پررنگ شد؛ ولی قدیمی‌های تحریریه با طمأنینه پیش می‌رفتند و نمی‌گذاشتند جوان‌ترها جوگیر شوند. آنان معتقد بودند رهرو آن است که آهسته و پیوسته رود و اینکه شتاب زیاد در از نتیجه‌گیری، احتمال اشتباه را افزایش می‌دهد چون همیشه که همه ایجاد یک اتفاق از همان ابتدا روشن نیست، شتاب «به اندازه» و آرامش برای رصد جوانب هر اتفاقی، چیزی شبیه خصوصیات جوانان یکی مانده به ۳۰ است. این، حال و هوای خوبی برای هر رسانه به نظر می‌رسد. فارغ از سن و سالش. که هم شور و جسارت و جوگری را داشته باشد و هم طمأنینه برای ارزیابی و شفاف دیدن اتفاقات و موضوع‌ها را.

رسانه هرچند سالش هم که باشد خوب است که مثل ۲۹ساله‌ها باشد.

**چون مردم، مهم‌ترین‌اند**

زحمت زیادی برای راه‌اندازی و ادامه کار هر رسانه‌ای کشیده می‌شود. زحمت زیادی برای انتشار هر شماره روزنامه کشیده می‌شود. اغلب با کمترین درآمد و امکانات. فقط به این علت که برای کارکنان رسانه‌ها، مردم مهم‌ترین هستند.

## مصطفی عبودی دبیر گروه سیاسی

## گسترش عصر ارتباطات

گسترش عصر ارتباطات، لاجرم به افزایش سهم افکار عمومی در تأثیرگذاری بر سیاست‌ها منجر شده و از این روست که بازیگران نظامات سیاسی هر یک به دنبال اقتناع، هدایت یا کنترل افکار عمومی هستند. دولت (به معنای

قوه مجریه) به عنوان یکی از مهم‌ترین ارکان نظام سیاسی در کشور ما نیز از این قاعده مستثنی نبوده و این چنین بود که روزنامه ایران براساس منطقی عقلایی و با ابتکار مرحوم آقای هاشمی رئیس وقت دولت، در اوایل دهه ۷۰ شمسی آغاز به کار کرد. سختی دوندگان روزنامه‌نگاری در ارگان دولت آنجاست که هم باید رضایت کارفرما را تحصیل کرد و هم باید از منافع مردم حراست به عمل آورد، اما این سختی زمانی رو به آسانی می‌رود که منافع دولت با منافع مردم مشترک و همپوشانی داشته باشد. همانگونه که برای آحاد مردم «فراق می‌کند چه کسی رئیس جمهور باشد»، برای روزنامه‌نگاری سیاسی در روزنامه ایران، به مراتب این تمایز جزئی اهمیت است. ما با اعتقاد به مشی انقلابی دولت سیزدهم که مدال افتخار «دولت با فعالیت و از رهبر انقلاب دریافت کرد و اعتماد به صداقت و کارآمدی شخص رئیس جمهور، برآیند تا تأیید و سردست گرفتن نقاط قوت دولت، تصحیح نقاط ضعف آن و تکمیل اقدامات ناقص آن در حد وسع، نقش خود را برای تحقق مردم سالاری و قانون اساسی ایفا کنیم.

## ←

## استثنای بدون تغییر

دنیای رسانه نسبت به ۲۹ سال پیش و زمانی که اولین شماره روزنامه ایران منتشر شد بسیار تغییر کرده است. موج این تغییرات

چنان پرشتاب و فزاینده است که در سال‌های اخیر، پیش‌بینی بود و نبودن و حیات رسانه‌های مکتوب در آینده همواره با اما و اگر همراه بوده است. روزنامه‌ها اگر چه مزیت‌هایی چون موشق و تحلیل‌گرا بودن محتوا را به‌طور نسبی حفظ کرده‌اند اما چادبه‌های رسانه‌های تعاملی در پشت شبکه‌های اجتماعی از لحاظ چندرسانه‌ای بودن و سرعت انتشار و قابلیت خوانش در هر وضعیتی چنان بالابست که نمی‌توان درخصوص رقابت رسانه‌های مکتوب با رسانه‌های تعاملی صحبت کرد. از سویی رسانه‌ها در بستن شبکه‌های اجتماعی در سال‌های اخیر خود را به پیوسته‌های تحلیلی و تفسیری هم مجهز کرده‌اند و این مزیت منحصر به رسانه‌های مکتوب نمانده است. پس مانند هر حوزه‌ای، در نشر رسانه نیز تغییر تحمیل شده است اما این موج همه‌گیر تغییر استثنای تغییرناپذیر هم دارد. این استثنای اخلاقی حرفه‌ای روزنامه‌نگاری و ارزش‌های خبری است که هر رسانه‌ای در هر پلتفرمی برای قابل اعتماد بودن و بقا نیازمند آن است. صد البته رسانه‌های مکتوب بهترین مدرسه برای آموختن چنین ارزش‌هایی بوده است. در روزنامه ایران در طول این ۲۹ سال با همه تغییرات در فرم، صفحات و پلتفرم‌های عرضه محتوا، اصول روزنامه‌نگاری، اخلاق حرفه‌ای و ارزش‌های خبری بدون تغییر بوده‌اند. روزنامه ایران در مواجهه با هر تغییری در پلتفرم‌های عرضه، بازمه منکی به همین اصول است و چیزی از مسئولیت‌های روزنامه‌نگاران «ایران» کم نمی‌شود.

## ←

## شور نوشتن

پرده اول / زمان: ارد بهشت ۱۳۷۶ / دختری با سری پرشور با اشتیاق پری‌ای مادرش تعریف می‌کند چطور با ارسال یک نامه به همراه صفحات ویرایش

شده روزنامه ایران، به مدیرعامل روزنامه گفته، حیفا است روزنامه‌ای با این وزانت حیات رسانه‌های مکتوب در آینده همواره چنین ایرادهای ویرایشی داشته باشند. پرده دوم / زمان: خرداد ۱۳۷۶ / تلفن خانه به صدا در می‌آید، از دفتر مدیرعامل روزنامه زنگ می‌زنند و می‌گویند، دختر پر شور سه روز بعد به ساختمان خبرگزاری ایرنا برود تا با مدیرعامل روزنامه ایران دیدار کند.

پرده سوم / زمان: سه روز بعد / مکان: دفتر مدیرعامل خبرگزاری ایرنا و روزنامه ایران / مدیرعامل از دختری می‌پرسد دوست‌داری در روزنامه مشغول به کار شوی؟ دختری بال در می‌آورد. بلافاصله در تخیلاتش تحریریه روزنامه را می‌بیند و خود را خبرنگار جوانی می‌بیند که در حال نوشتن درهای مردم است.

پرده آخر / زمان: بهمن ۱۴۰۲ / مکان: تحریریه روزنامه ایران / خبرنگار می‌پاسند تحریریه را نگاه می‌کند. تحریریه هنوز هم پرشور است، مثل خود او. می‌داند حساب بانکی پرر و بی‌مانی ندارد، قلبش از آنچه می‌بیند و نمی‌خواهد پسر درد است، اما عشق به روزنامه‌نگاری همه سختی‌ها را بر او سهل می‌کند.

## ←

## همسفر با «ایران» تا بی‌نهایت

## فرناز قلعه‌دار دبیر گروه حوادث

یک سال دیگر از عمر روزنامه ایران گذشت و حالا دیگر قطار روزنامه ایران در حال گذر از ایستگاه ۲۹ است. در این سفر ۲۹ ساله پرماجرا، برخی از مبداء و عده‌ای نیز در ایستگاه‌های بعدی همسفر

«ایران» شدند و هنگام عبور از مسیرهای پرپیچ و خم به تماشای مناظر سبز و چشم‌نواز یا دشت‌های کویری نشستند و همراه و همسفر ماندند. هرچند برخی از مسافران این قطار نیز رفیق نیمه‌راه شده و به دلخواه یا در اجبار در توقفگاه‌ها پیاده شدند اما بی‌تردید قطار «ایران» همچنان مستحکم و پرشتاب تا بی‌نهایت با مسافرانش به سمت آینده‌ای روشن حرکت خواهد کرد و برای رسیدن به اهدافش از حرکت باز نخواهد ایستاد.

روزی که نام «ایران» را بر تارک این روزنامه مردمی حک کردند، تنها هدف، آرزو و رسالت آن تلاش برای نمایاندن واقعیت و حقیقت بر ایرانیان و انعکاس خواسته‌های مردم به دولتمردان بود. البته ممکن است در برخی برهه‌ها گاه به خاطر غفلت و کوتاهی در رسالت اصلی خود جا مانده و سرانجام کار مطابق میل و خواسته مردم نبوده باشد اما به هر سختی که بود هرگز اجازه ندهد نشاند تا این قطار منجمد از ریل و مسیر اصلی‌اش خارج شود، چراکه وقتی هدف خاسته‌اند خوبی باشیم و با حفظ رسالت اصلی و مشتقت نیز همراهی صمیمانه مخاطبان است که در تمام این سال‌ها «ایران» را تنها نگذاشتند و با پشتیبانی از مجموعه «ایران» مایه دلگرمی ما شدند. از قدیم گفته‌اند، سختی کزدل برآید لاجرم بر دل نشیند؛ در تمام این سال‌ها تلاش استاید بزرگ روزنامه‌نگاری که شمع این روزنامه با حضور و همت آنها روشن شد تا شاکردان امروز آنها، بر این بوده که امتداد خوبی باشیم و با حفظ رسالت اصلی روزنامه‌نگاری که همانا مردمی بودن و صداقت و شرافت است، نه تنها از خاموش شدن شمع پر فروغ روزنامه جلوگیری کنیم بلکه با جلب اعتماد مخاطبان توانیم در این مسیر با صلابت بیشتری به راهمان ادامه دهیم. هنوز هم شعار «ایران» همان است که بود: «به میان شما آمدیم، تا همراهتان بمانیم.